

**Original Paper** **Take a look at allegorical stories and anecdotes in Boostan**



Masoud Pakdel<sup>1\*</sup>

**Abstract**

Considering that the expression of the material in the form of anecdotes and stories is more effective and pleasant, Saadi in Boostan has used the allegorical anecdotes in quoting the teachings and excellent moral and legal contents. For a better understanding of literary works, they should be analyzed, that is why it is necessary to analyze allegorical tales of Boostan. In this research, we try to answer the question by analytical-descriptive method and with the aim of knowing allegorical tales of Boostan how and for what purpose Saadi has used allegory and to what extent allegorical anecdotes have been effective in the beauty of the story and the transmission of concepts. The results show that Saadi has been successful in creating allegorical anecdotes and providing appropriate and diverse evidence and examples, and has expressed his valuable content in the form of allegorical short stories in a way that is very influential on readers. The expression of moral teachings in the form of stories, in addition to etiquette, has also caused their permanence.

**Keywords:** Saadi, Boostan, story, anecdote, allegory.

1-Department of language and literature, Ramhormoz branch, Islamic Azad University, Ramhormoz, Iran. masoudpakdel@yahoo.com

<p><b>Please cite this article as (APA):</b> pakdel, M. (2022). Take a look at allegorical stories and anecdotes in Boostan. <i>Journal of Pedagogic and Lyric in Persian Language and Literature Studies Quarterly</i>, 14(53), 27-42.</p>		
	<p>Creative Commons: CC BY-SA 4.0</p>	 <p>DOR: 20.1001.1.2717431.1401.14.53.2.2</p>
<p><b>Publisher:</b> Islamic Azad University Bushehr Branch / No. 53 / Autumn 2022</p>		
<p><b>Received:</b> 29 June 2022</p>		<p><b>Received in revised form:</b> 11 September 2022</p>
<p><b>Accepted:</b> 20 September 2022</p>		<p><b>Published online:</b> 20 December 2022</p>



## مقاله پژوهشی **نگاهی به داستان‌ها و حکایات تمثیلی در بوستان**

مسعود پاکدل<sup>\*۱</sup>


چکیده

با توجه به اینکه بیان مطالب در قالب حکایت و داستان تأثیرگذارتر و دلنشین‌تر است، سعدی در بوستان برای نقل آموزه‌ها و مطالب عالی اخلاقی و حکمی از حکایات تمثیلی بهره برده است. برای شناخت بهتر آثار ادبی باید به واکاوی آن‌ها پرداخت، به همین دلیل ضرورت دارد حکایات تمثیلی بوستان تحلیل و بررسی شود. در این پژوهش برآنیم تا با روش تحلیلی - توصیفی و با هدف شناخت حکایات تمثیلی بوستان به این پرسش پاسخ داده شود که سعدی چگونه و با چه هدفی از تمثیل بهره برده است و حکایات تمثیلی تا چه اندازه به زیبایی مطلب افزوده و در انتقال مفاهیم مؤثر بوده‌اند. نتایج نشان می‌دهد که سعدی در آفریدن حکایات تمثیلی و ارائه شاهد و مثال‌های مناسب و متنوع موفق بوده است و مطالب ارزنده مورد نظر خود را در قالب داستان‌های کوتاه تمثیلی به گونه‌ای بیان نموده، که بر خوانندگان بسیار تأثیرگذار باشد. بیان آموزه‌های اخلاقی در قالب داستان افزون بر التذاذ ادبی، سبب ماندگاری آن‌ها نیز شده است.

**واژگان کلیدی:** سعدی، بوستان، داستان، حکایت، تمثیل.

۱- استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد رامهرمز، دانشگاه آزاد اسلامی، رامهرمز، ایران.

masoudpakdel@yahoo.com

لطفاً به این مقاله استناد کنید: پاکدل، مسعود. (۱۴۰۱). نگاهی به داستان‌ها و حکایات تمثیلی در بوستان. فصل نامه تحقیقات تمثیلی در زبان و ادب فارسی. ۱۴(۵۳)، ۲۷-۴۲.	
	حق مؤلف © نویسندگان. DOR: 20.1001.1.2717431.1401.14.53.2.2
ناشر: دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر / شماره پنجاه و سوم / پاییز ۱۴۰۱ / از صفحه ۲۷-۴۲	
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۰۸	تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۰۶/۲۰
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۲۹	تاریخ انتشار بر روی اینترنت: ۱۴۰۱/۰۹/۲۵

## ۱. مقدمه

بوستان «سعدی نامه» اثر ارزشمند سعدی، الگوی پاکیزه زبان نغز و شیوای فارسی و نمونه بارز فصاحت و بلاغت است. حکایات تمثیلی بوستان اغلب کوتاه، آموزنده و بسیار گذار هستند. شاعر با نگاهی نافذ و هنرمندانه به دنیا و حوادث زندگی و دقت در زندگانی طبقات مختلف جامعه از پادشاهان تا مردم عادی که حاصل نشست و برخاست او با اقشار مختلف جامعه می باشد، حکایات تمثیلی بسیار زیبایی را آفریده است. از ساده ترین و تکراری ترین اتفاقات زندگی نظیر مراسم سوگ و عزا توانسته است حکایات جالبی را بیافریند و با نبوغ کم نظیر خود بهترین نتایج را به دست آورد و درس زندگی بدهد. سعدی جهت ترغیب مردم به خوبی ها و پاکي ها و پرهیز از بدی ها و پلشتی ها زیباترین و ناب ترین حکایت های تمثیلی را بیان می کند. با توجه به تمایل مردم به داستان و انگیزه ای که داستان و حکایت در خواننده به وجود می آورد که مطلب را پیگیری کند، آموزه های خود را در قالب حکایت های تمثیلی بیان می کند. این امر سبب می گردد که داروی تلخ نصیحت را با شهد شیرین حکایت بیامیزد و به خواننده بنوشاند.

### ۱-۱. پیشینه پژوهش

غلام، محمد (۱۳۸۳) در مقاله ای با عنوان «شگردهای داستان پردازی در بوستان» به ریخت شناسی حکایت های بوستان پرداخته و به عناصری مانند شخصیت ها، گفت و گوها، پرسش و پاسخ ها، چگونگی آغاز و انجام حکایت ها و واگویه درونی پرداخته که با آنچه در این جستار آمده کاملاً متفاوت است. تاج بخش، پروین (۱۳۸۴) در مقاله ای با عنوان «حکایات تمثیلی در بوستان» به بررسی ساخت و اختصاصات و عناصری که در حکایات گذشته به طور اعم و در بوستان به طور اخص بوده پرداخته است و معتقد است سعدی توانسته آنچه را که دیده و شنیده است، به خوبی برای دیگران نقل کند و خواننده و شنونده را متوجه منظورش سازد. آقاحسینی، حسین و سیدان، الهام (۱۳۹۲) در مقاله ای با عنوان «بررسی جایگاه تشبیه و تمثیل در اندیشه های تعلیمی سعدی» به بررسی تشبیه و تمثیل در آثار سعدی پرداخته و به این نتیجه دست یافته اند که بسامد بالای ارسال المثل های اخلاقی در شعر سعدی حکایت از آن دارد که شاعر برای ابلاغ پیام های اخلاقی خود به زندگی عادی مردم نزدیک می شود و از آن در اشعار خود بهره می برد. حسینی کازرونی و همکاران (۱۴۰۰) در مقاله ای با عنوان «بررسی فرایندها و فرآیندها در شخصیت صائب تبریزی بر اساس ادبیات تمثیلی غزلیات شاعر با تکیه بر نظریه روانشناسان انسان گرا» معتقدند که «تمثیل

همیشه یک نوع ادبی محسوب نمی‌شود، بلکه در حقیقت شیوه و استراتژی خاصی است که می‌توان آن را در هر نوع و شکل ادبی به کار گرفت.» (حسینی کازرونی و همکاران، ۱۴۰۰: ۳۰)

#### ۲-۱. بیان مساله

در این جستار با مطالعه مستقیم کتاب بوستان سعدی و تأمل در حکایات و داستان‌ها، به استخراج داستان‌های تمثیلی و بررسی آن‌ها پرداخته می‌شود. در آغاز به معرفی مختصر سعدی و کتاب بوستان پرداخته می‌شود. پس از آن با بهره‌گیری از منابع مختلف بحثی در خصوص تمثیل و حکایات تمثیلی که اساس کار این پژوهش است، مطرح می‌شود. سپس با توجه به طرح اندیشه‌های متعالی و آموزه‌های ارزنده در بوستان، علت و چگونگی بهره‌گیری سعدی از حکایات‌های تمثیلی مورد واکاوی قرار می‌گیرد.

#### ۳-۱. هدف تحقیق

هدف از این تحقیق شناخت حکایات‌های تمثیلی سعدی در کتاب بوستان است و اینکه شاعر چگونه و به چه منظوری از تمثیل بهره برده و تا چه میزانی در این خصوص موفق بوده است.

#### ۴-۱. ضرورت تحقیق

با توجه به اهمیت واکاوی آثار ارزشمند ادبی و استخراج نکات ارزنده جهت شناخت هر چه بهتر آن‌ها و اینکه از نگاه این پژوهش به حکایات تمثیلی کتاب بوستان، پژوهشی مستقل و مدون که بر اساس مطالعات دانشگاهی انجام شده باشد به نظر نرسید، انجام این کار در نوع خود جدید است و ضرورت دارد.

#### ۵-۱. سوالات تحقیق

- ۱- سعدی در حکایات تمثیلی بوستان چگونه از تمثیل بهره برده است؟
- ۲- هدف شاعر از بهره‌گیری از تمثیل در حکایات و داستان‌های بوستان چیست؟
- ۳- حکایات‌های تمثیلی بوستان تا چه اندازه به زیبایی مطلب و انتقال مفاهیم مؤثر بوده‌اند؟

### ۱-۶. شیوه و روش گردآوری

این جستار به روش تحلیلی - توصیفی و با ابزار مطالعات کتابخانه ای انجام شده است. در آغاز به مطالعه و یادداشت برداری از آثار مربوط به تمثیل و استخراج حکایت های تمثیلی کتاب بوستان پرداخته شد. پس از آن مطالب بر اساس موضوعات مطرح شده در حکایات بررسی و دسته بندی گردید و در پایان نتایج به دست آمده تنظیم شده است.

### ۲. سعدی و بوستان

سعدی از شاعران نامداری است که هم وطنانش هنوز به زبان او سخن می گویند و از اشعار و عبارات های دلنشینش در گفت و گو های خود بهره می جویند. او را باید از بزرگ ترین سخن سرایان ایران و جهان به شمار آورد. سهل و ممتنع بودن کلامش از او شاعر و نویسنده ای مردمی و ممتاز آفریده است. «در میان پارسی زبانان یکی دو تن بیش نیستند که بتوان با او برابر کرد و از سخن گویان ملل دیگر هم از قدیم و جدید کسانی که با سعدی همسری کنند بسیار معدودند.» (فروغی، ۱۳۷۶: هفده) شرایط حاکم بر روزگار آن روز شیراز سبب شده بود که در کلام شیخ هم زهد و مسجد دیده شود و هم عشق و خرابات. زیرا اگرچه آنچه بر شهر حکومت می کرد زهد بود، ولی گاهی اوقات بازار فسق رونق بیشتری داشت. «ظاهر شهر تحت حکومت زهد بود اما در باطن آن فسق گه گاه بیش از زهد حکومت می کرد. زرق و شید که زاهدان، صوفیان و بازاریان بدان متهم می شدند، باطن شهر را نشان می داد.» (زرین کوب، ۱۳۸۳: ۱۳)

بوستان «سعدی نامه» یکی از آثار ارزشمند سعدی است در اخلاق و تربیت که در ده باب تنظیم شده و به ابوبکر بن سعد زنگی تقدیم شده است. «کتابی است که از لحاظ فصاحت و بلاغت لفظ و نبالت و فخامت معنی با هیچ یک از کتاب های ادبی ایران و حتی با دیگر آثار سعدی قابل قیاس نیست.» (ناصر، محمدعلی، ۱۳۸۱: ح)

### ۳. تمثیل

بهره گیری از تمثیل سبب می گردد که دریافت معنا به سادگی مقدر نباشد و شنونده و خواننده برای فهم مطلب به تأمل و دقت بیشتری پردازند. تمثیل با تشبیه، استعاره و کنایه ارتباط تنگاتنگی دارد. در تمثیل اغلب مفاهیم ذهنی به مفاهیم حسی تشبیه می شود و با بیانی غیرمستقیم مطرح می گردد. این امر سبب می شود که شاعر یا نویسنده هرآنچه به صورت نامحسوس در دل یا ذهن خود

دارد، با بهره‌گیری از تمثیل محسوس سازد و بیان نماید. «در مباحث ادبی فارسی و عربی اصطلاح تمثیل، حوزه‌معنایی گسترده‌ای را دربرمی‌گیرد که از تشبیه مرکب، استعاره مرکب، استدلال، ضرب المثل و اسلوب معادله گرفته تا حکایت اخلاقی، قصه‌های حیوانات، قصه‌های رمزی و نیز معادل روایت داستانی (الیگوری) در ادبیات فرنگی را شامل می‌شود.» (فتوحی، ۱۴۲: ۱۳۸۳)

#### ۴. حکایت تمثیلی

در متون ادبی پیشین تفاوت چندانی میان داستان، حکایت و قصه دیده نمی‌شود «در گذشته شیوه استفاده از تمثیل در قالب حکایت بسیار در خور توجه بوده است. از آن جا که تمثیل گنجایش بسیاری از مفاهیم اخلاقی، عرفانی، سیاسی و اجتماعی را در خود دارد، بسیاری از نویسندگان و گویندگان تراز اول فارسی به ویژه سخن‌گوی توانای شیراز از آن برای انتقال مفاهیم ذهنی سود جسته‌اند.» (تاج بخش، ۱۳۸۴: ۸۸)

در تمثیل نیز همانند تشبیه و استعاره، شاهد ارتباط میان مشبه و مشبه به هستیم. تمثیل را می‌توان همانند استعاره مصرحه دانست که در آن فقط مشبه به ذکر می‌شود. «مثل کسانی که فقط به دنیا چسبیده‌اند، مثل کسانی است که در رهگذر سیل خانه می‌سازند.» (شمیسا، ۱۳۷۳: ۱۰۵)

پورنامداریان واژه‌های مثل و تمثیل را معادل همدیگر دانسته و هر دو را با اصطلاحاتی نظیر پارابل، فابل و الیگوری برابر می‌داند. (پورنامداریان، ۱۳۷۵: ۱۴۲) اما فتوحی می‌نویسد: تمثیل یا الیگوری در اصطلاح روایت گسترش یافته‌ای است که حداقل دو لایه معنایی دارد. لایه اول صورت قصه و لایه دوم معنای ثانوی و عمیق‌تر است که در ورای صورت می‌توان جست و به آن روح تمثیل می‌گویند. نویسندگان این تمثیل‌ها از خوانندگان انتظار دارند تا یک معنای ثانوی و عمیق‌تر اخلاقی، سیاسی، فلسفی یا دینی را در ورای قصه تشخیص دهند. (فتوحی، ۱۳۸۳: ۱۵۴) همچنین معتقد است که چون اصطلاح تمثیل در زبان فارسی برای دایره گسترده‌ای از قالب‌ها و شکل‌های ادبی به کار رفته بهتر آن است که اصطلاح تمثیل را فقط برای تمثیل داستانی یعنی حکایت و قصه‌ای که دلالت ثانوی آن اهمیت بیشتری دارد به کار ببریم. (همان: ۱۷۳) در این جستار به حکایت‌های تمثیلی یا تمثیل داستانی (الیگوری) در بوستان سعدی پرداخته شده است.

**۵. بحث و بررسی****۱-۵. دادگری**

در توصیه به عدالت و دادگری به طور غیر مستقیم و با بیان تبعات سرپیچی از عدالت، همانند نافرمانی مردم و بدنامی در عالم در قالب حکایتی تمثیلی، پادشاه را به دادگستری دعوت می کند. الا تا نپیچی سر از عدل و رای که مردم ز دست نپیچند پای گریزد رعیت ز بیدادگر کند نام زشتش به گیتی سمر (یوسفی، ۱۳۷۲: ۴۳)

**۲-۵. ثمره دادگری و بیداد**

از بیان ثمره و نتیجه دادگری نیز غافل نیست و داستان تمثیلی کوتاهی از پادشاهان عجم بیان می کند که بر زبردستان بیداد روا می داشتند. شوکت و پادشاهی آن ها از بین رفته، در روز قیامت مورد بازخواست قرار گرفته اند. و نتیجه دادگری را مقرر داشتن در سایه عرش الهی بیان می کند. خبر داری از خسروان عجم که کردند بر زبردستان ستم نه آن شوکت و پادشاهی بماند نه آن ظلم بر روستایی بماند خطا بین که بر دست ظالم برفت جهان ماند و او با مظالم برفت خنک روز محشر تن دادگر که در سایه عرش دارد مقرر (یوسفی، ۱۳۷۲: ۵۹)

انسان های ظالم غافل هستند که هر آنچه را که با ظلم می خواهند به دست بیاورند، با عدل به دست می آید. گمانش خطا بود و تدبیر سست که در عدل بود آنچه در ظلم جست (یوسفی، ۱۳۷۲: ۶۱)

**۳-۵. فروتنی**

در خصوص تواضع و فروتنی داستان تمثیلی کوتاهی از زبان قطره باران بیان می کند که به سبب نادیده گرفتن خود در برابر عظمت دریا در دهان صدف قرار می گیرد و به مرواریدی گران بها تبدیل می شود. در این حکایت تمثیلی فروتنی مورد ستایش قرار گرفته است ولی به جای آنکه

مستقیماً به بیان این نکته بپردازد، قطره باران را تمثیلی از فردی کم ارزش و فروتن و مروارید را تمثیلی از موجودی ارزشمند می‌داند.

یکی قطره باران ز ابری چکید  
خجل شد چو پهنای دریا بدید  
که جایی که دریاست من کیستم؟  
گر او هست حقا که من نیستم  
چو خود را به چشم حقارت بدید  
صدف در کنارش به جان پرورید  
سپهرش به جایی رسانید کار  
که شد نامور لؤلؤ شاهوار  
بلندی از آن یافت کو پست شد  
در نیستی کوفت تا هست شد  
(یوسفی، ۱۳۷۲: ۱۱۵)

در گلستان هم فروتنی را یکی از ویژگی‌های انسانی می‌داند و معتقد است چون انسان از خاک آفریده شده است باید خاکی باشد و تکبر زینده او نیست:

اگر خود بر دورد پیشانی پیل  
نه مرد است آنکه در وی مردمی نیست  
بنی آدم سرشت از خاک دارد  
اگر خاکی نباشد آدمی نیست  
(یوسفی، ۱۳۶۹: ۱۰۶)

#### ۴-۵. یتیم نوازی

در باب ترغیب مردم به یتیم نوازی، خود را باخبر از درد یتیمان معرفی می‌کند بدان سبب که در کودکی یتیم شده است. در ادامه داستان تمثیلی بسیار کوتاهی در دو بیت می‌آورد در خصوص کسی که خاری از پای یتیمی کنده است. همین کار سبب شده که گل‌های زیادی در راه او بروید. مرا باشد از درد طفلان خبر  
یکی خار پای یتیمی بکند  
که در طفلی از سر برفتم پدر  
همی گفت و در روزه‌ها می‌چمید  
به خواب اندرش دید صدر خجند  
کز آن خار بر من چه گل‌ها دمید  
(یوسفی، ۱۳۷۲: ۸۰)

#### ۵-۵. احسان و نیکوکاری

سعدی معتقد است که احسان و نیکوکاری بسان کمندی بر گردن دیگران می‌افتد و آن‌ها را با احسان کننده همراه می‌سازد. در داستان تمثیلی کوتاهی از گوسفندی سخن می‌راند که از جوانی



احسان دیده است. به همین علت چپ و راست در پی او می دود و همراهیش می کند. در این داستان تمثیلی با نمودن تاثیر نیکوکاری بر گوسفند، بر آن است تا همگان را به نیکوکاری و بخشش فراخواند. رد اینجا گوسفند می تواند تمثیلی از آدمیان باشد که احسان و نیکوکاری آن ها را با انسان همراه و همدل می سازد.

به ره در یکی پیشم آمد جوان	به تگ در پیش گوسفندی دوان
بدو گفتم این ریسمان است و بند	که می آرد اندر پیت گوسفند
سبک طوق و زنجیر از او باز کرد	چپ و راست پویدن آغاز کرد
هنوز از پیش تازیان می دوید	که جو خورده بود از کف مرد و خوید
چو باز آمد از عیش و بازی به جای	مرا دید و گفت ای خداوند رای
نه این ریسمان می برد با منش	که احسان کمندی است در گردنش

(یوسفی، ۱۳۷۲: ۸۸)

#### ۵-۶. عبرت پذیری

حضرت علی (ع) می فرماید: «ما اکثر العبر و اقل الاعتبار» چه بیارند عبرت ها و چه اندک هستند عبرت پذیرها. چیزهایی که بتوان از آن ها عبرت گرفت در عالم فراوان هستند ولی افرادی که عبرت پذیر هستند بسیار کم هستند. سعدی در جای جای بوستان از امور بسیار عادی با توجه به نگاه نافذ و شاعرانه خود داستان های تمثیلی آموزنده ای می آفریند. در ابیات ذیل از زبان عابدی که جمجمه پوسیده فرمانده ای را می بیند، داستانی می گوید و خوانندگان را از غفلت و بی خبری برحذر می دارد. در این حکایت تمثیلی استخوان های پوسیده متعلق به فرمانده نیرومندی است که سرمست کشورگشایی است ولی مرگ طومار زندگی او را درمی نوردد و جسمش را خوراک کرم ها می سازد. در اینجا فرمانده مذکور تمثیلی است از تمامی کسانی که فریفته قدرت هستند و از اینکه ممکن است هر لحظه مرگ پایان بخش آرزوهای دور و دراز آن ها باشد، غافل.

شنیدم که یک بار در حله ای	چنین گفت با عابدی کله ای
که من فرماندهی داشتم	به سریر کلاه مهی داشتم
سپهرم مدد کرد و نصرت و فاق	گرفتم به بازوی دولت عراق
طمع کرده بودم که کرمان خورم	که ناگه بخوردند کرمان سرم
بکن پنبه غفلت از گوش هوش	که از مردگان پندت آید به گوش

(یوسفی، ۱۳۷۲: ۶۲)

پروین تاج بخش در خصوص حکایت مذکور می نویسد: «در این حکایت با توجه به اینکه استخوان پوسیده شخصیت می یابد و هم چون ناصح خردمندی به عابد اندرز می دهد، خرق عادت تلقی می شود. این موضوع برای خواننده امروزی پذیرفتنی نیست. بدین روی رابطه علت و معلولی داستان سست می شود و این، مایه گرفته از طرح ضعیف حکایت است.» (تاج بخش، ۱۳۸۴: ۹۱) با توجه به اینکه در گذشته عناصر داستان همانند پیرنگ، کشمکش، بحران و... به صورتی که امروزه رایج است اصولاً مطرح نبوده، چنین مواردی در آثار پیشینیان دیده می شود. از طرفی نتیجه حکایات بوستان آموزش یک نکته عالی اخلاقی است و اینکه موضوع تا حدی بعید و دور از ذهن به نظر برسد، خاص دنیای آرمانی شاعر است پس نمی توان بر او خرده گرفت و طرح حکایت را ضعیف دانست.

#### ۵-۷. یادآوری مرگ

از جمله اتفاقاتی که همه ما بارها شاهد آن بوده ایم، مرگ عزیزان و بی تابی و زاری نمودن بستگان آن هاست. سعدی از دیدن چنین صحنه پرتکرار و نسبتاً معمولی از زبان داننده ای تیزهوش حکایتی تمثیلی می آفریند و خوانندگان را به یاد مرگ و عدم فراموشی آن می اندازد و می گوید انسان حقیقت شناس و دانا زمانی که بر مرده گل می ریزد به مرگ خود که از آن گریزی و گزیری نیست، می اندیشد.

یکی از شگردهای هنری سعدی در کار تمثیل آن است که وی مثال های خود را گاه از زبان شخص دیگری که غالباً از منزلت اجتماعی بالایی برخوردار است، ذکر می کند و به این وسیله بر اعتبار کلام خود می افزاید. بسیاری از نقل قول های سعدی در ضمن حکایات و تمثیل ها از این دست است و در واقع وی با مستند کردن کلام خود در پی آن برمی آید که اعتماد مخاطب را جلب کرده، او را از صحت گفته خود مطمئن کند. (حسینی و سیدان، ۱۳۹۲: ۲۳) در این حکایت بیننده تیزهوش نصیحتگر و محقق که از خاکسپاری دیگران، به یاد مرگ خود می افتد، می تواند تمثیلی از خود سعدی باشد که بر خوانندگانش نهیب می زند که به هوش باشید و به خود آید.

قضا زنده ای را رگ جان برید	دگر کس به مرگش گریبان درید
چنین گفت بیننده ای تیزهوش	چو فریاد و زاری رسیدش به گوش
ز دست شما مرده بر خویشتن	گرش دست بودی دریدی کفن

که چندین ز تیمار و دردم مپیچ      که روزی دو پیش از تو کردم بسیج  
 فراموش کردی مگر مرگ خویش      که مرگ منت ناتوان کرد و ریش  
 محقق چو بر مرده ریزد گلش      نه بر وی که بر خود بسوزد دلش  
 (یوسفی، ۱۳۷۲: ۱۸۵)

همچنین به عجز و ناتوانی بشر در برابر مرگ اشاره می کند و می گوید: چون از مرگ گزیرو گزیری نیست و انسان هر قدر که توانا باشد شکار مرگ می شود، لازم است که به این دنیای فانی دل نبندد. در خلال ابیات از تمثیلاتی مانند خر وحشی کمندگسلی که در ریگ فرومی ماند و عدم پاییدن گردکان بر گنبد بهره می برد.

اگر پهلوانی و گر تیغ زن      نخواهی بدر بردن الا کفن  
 خر وحش اگر بگسلاند کمند      چو در ریگ ماند شود پایبند  
 تو را نیز چندان بود دست زور      که پایت نرفته است در ریگ گور  
 منه دل بر این سالخورده مکان      که گنبد نپاید بر او گردکان  
 (یوسفی، ۱۳۷۲: ۱۸۶)

#### ۵-۸. صلاهی درد انسانیت سر دادن

در داستان تمثیلی ذیل از افروختن آتشی هولناک سخن می راند که نیمی از شهر بغداد را در کام شعله ها فرو برده است. شخصی از اینکه دکانش در امان مانده خدا را شکر می گوید. مردی جهاندیده به سرزنش او لب می گشاید که تو چنین می پسندی که شهری در آتش بسوزد اما دکان تو در امان باشد؟ آنگاه در چند بیت بسیار زیبا صلاهی درد انسانیت سر می دهد و به همگان تلنگری می زند که نباید فقط به فکر خودمان باشیم و از درد و رنج دیگران بی خبر. معتقد است فقط سنگدل می تواند وقتی دیگران گرسنه اند، سیر بخوابد. تندرست از دیدن رنج دیگران رنجوروار از درد و غم به خود می پیچد. اهل دل پس از رسیدن یاران به خاطر واماندگان نمی تواند آسوده دل بخوابد. پادشاه علیرغم داشتن قدرت و ثروت از دیدن در گل فروماندن خر خارکش بیچاره غمگین و ناراحت می شود.

شبی دود خلق آتشی بر فروخت      شنیدم که بغداد نیمی بسوخت  
 یکی شکر کرد اندر آن خاک و دود      که دکان ما را گزندی نبود  
 جهان دیده ای گفتش ای بوالهوس      تو را خود غم خویشتن بود و بس؟

وگر چه سرایت بود برکنار؟  
 چو بیند کسان بر شکم بسته سنگ  
 چو بیند که درویش خون می خورد؟  
 که می پیچد از غصه رنج‌وروار  
 نخسبد که وامانندگان از پسند  
 چو بینند در گل خر خارکش  
 ز گفتار سعدیش حرفی بس است  
 که گر خار کاری سمن ندروی

پسندی که شهری بسوزد به نار  
 بجز سنگدل ناکند معده تنگ  
 توانگر خود آن لقمه چون می خورد  
 مگو تندرست است رنج‌وردار  
 تنکدل چو یاران به منزل رسند  
 دل پادشاهان شود بارکش  
 اگر در سرای سعادت کس است  
 همینست بسنده ست اگر بشنوی

#### ۹-۵. عشق

معمولاً پروانه را بدان سبب که در اطراف شمع پر می زند تا بسوزد، نماد عاشق می دانند. سعدی که خود در کتاب گلستان پروانه را نماد عاشق می داند و از مرغ سحر می خواهد عشق را از پروانه بیاموزد، در تعریف عاشق در داستان تمثیلی کوتاهی، مخاطبه ای میان شمع و پروانه به تصویر می کشد و پروانه را به سبب نداشتن صبر و عدم تحمل گرمی شعله های آتش تمثیلی از مدعیان عاشقی و شمع را که مردانه می ایستد و از سر تا پا می سوزد تمثیلی از عاشقان واقعی معرفی می کند.

شنیدم که پروانه با شمع گفت  
 تو را گریه و سوز باری چراست؟  
 برفت انگبین یار شیرین من  
 چو فرهادم آتش به سر می رود  
 فرو می دويدش به رخسار زرد  
 که نه صبر داری نه یارای ایست  
 من استاده ام تا بسوزم تمام  
 مرا بین که از پای تا سر بسوخت  
 (یوسفی، ۱۳۷۲: ۱۱۴)

شبی یاد دارم که چشمم نخفت  
 که من عاشقم گر بسوزم رواست  
 بگفت ای هوادار مسکین من  
 چو شیرینی از من بدر می رود  
 همی گفت و هر لحظه سیلاب درد  
 که ای مدعی عشق کار تو نیست  
 تو بگریزی از پیش یک شعله خام  
 تو را آتش عشق اگر پر بسوخت

### ۵-۱۰. عزت نفس

در داستان تمثیلی ذیل از صحرانشینی سخن می راند که سگی پای او را گزیده و در خانه از درد به خود می پیچد. دختر خردسالش پدر را سرزنش می کند و می گوید مگر تو دندان نداشتی؟ چرا تو پای سگ را نگزیدی؟ صحرانشین از این سخن دختر به خنده می افتد و می گوید غیرممکن است که دندان های خود را به پای سگ فرو ببرم، زیرا انسان نمی تواند رفتاری همانند سگ داشته باشد. شان و منزلت انسان و عزت نفس او را بسیار والاتر از آن می داند که با سگان مقابله به مثل کند و فراتر از آن تمثیلی است از اینکه نباید با دیدن رنجشی از افراد نادان واکنش نشان داد و بسان آن ها رفتاری ناشایست انجام داد چرا که «گر تو با بد کنی پس فرق چیست؟»

سگی پای صحرانشینی گزید	به خشمی که زهرش ز دندان چکید
شب از درد بیچاره خوابش نبرد	به خیل اندرش دختری بود خرد
پدر را جفا کرد و تندی نمود	که آخر تو را نیز دندان نبود؟
پس از گریه مرد پراکنده روز	بخندید کای مامک دلفروز
مرا گرچه هم سلطنت بود و بیش	دریغ آمدم کام و دندان خویش
محال است اگر تیغ بر سر خورم	که دندان به پای سگ اندر برم
توان کرد با ناکسان بد رگی	و لیکن نیاید ز مردم سگی

(یوسفی، ۱۳۷۲: ۱۲۳)

### ۶. نتیجه گیری

سعدی در بوستان با تیزبینی و نبوغ بی نظیرش از مشاهده ساده ترین و بدیهی ترین اتفاقات همانند مویه و زاری بر مرگ عزیزان و برتری دادن داد و فروتنی بر بیداد و تکبر حکایت تمثیلی شیوایی می آفریند که افزون بر التذاذ ادبی خواننده و فهم بهتر مطلب، در یادها و خاطره ها می ماند. گاه برای بیان مفهومی والا چون عشق، هنرمندانه به ترسیم مخاطبه ای تمثیلی بین شمع و پروانه می پردازد. این گفت و گوی داستان وار سبب می شود که خواننده موضوع را دنبال کند و پیام سعدی را به بهترین شکل ممکن دریابد. برخی از داستان های بوستان بسیار کوتاه هستند، اما سعدی هنرمندانه همه مقدماتی را که جهت اقتناع خواننده لازم است، در آن می گنجاند. داستان دو بیتی شخصی که خار پای یتیمی را می کند و صدرخجند او را در خواب می بیند که پاداش او دمیدن گل ها و چمیدن در روضه هاست، چنین است. به نظر می رسد سعدی جهت انتقال بهتر مطلب و عام پسند و همه فهم نمودن آن، اندیشه های متعالی و آموزه های ارزنده خود را در قالب حکایت های تمثیلی

حکمت آمیز و سودمندی بیان نموده است. گاه نیز موضوعی آشکار را مطرح می‌کند و از داستان و حکایت برای تأکید مطلب خود یاری می‌جوید، به گونه‌ای که این داستان‌ها مصداق یا نمونه‌ای برای گفته‌های او هستند. هنر بهره‌گیری سعدی از داستان و حکایات تمثیلی و بیان شاهد و مثال‌های مناسب و متنوع در بوستان تا بدانجاست که بسیاری از این داستان‌ها در یاد و خاطر فارسی‌زبانان به ویژه علاقه‌مندان به کلام شیخ نقش بسته است و در محاوره‌ها و گفت و گوهای روزمره از آن‌ها استفاده می‌کنند.

## منابع و مآخذ

### الف. کتاب‌ها:

- الهی قمشه‌ای، حسین محی‌الدین (۱۳۸۸). «سیصد و شصت و پنج روز با سعدی»، تهران: سخن.
- انزایی نژاد، رضا و قره‌بگلو، سعیدالله (۱۳۷۸). «بوستان سعدی»، تهران: انتشارات جامی.
- پورنامداریان، تقی (۱۳۷۵). «رمز و داستان‌های رمزی در ادب فارسی»، چ چهارم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- خزائلی، محمد (۱۳۶۶). «شرح بوستان»، چ ششم، تهران: انتشارات جاویدان.
- رادفر، ابوالقاسم (۱۳۶۸). «فرهنگ بلاغی - ادبی»، تهران: انتشارات اطلاعات.
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۷۲). «با کاروان حله»، تهران: علمی.
- (۱۳۸۳). «حدیث خوش سعدی»، تهران: سخن.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۶۸). «صورت‌خیال در شعر فارسی»، تهران: آگاه.
- شمیسا، سیروس (۱۳۷۳). «بیان و معانی»، تهران: فردوس.
- فروغی، محمدعلی (۱۳۷۶). «کلیات سعدی»، چ ششم، تهران: ققنوس.
- ناصر، محمدعلی (۱۳۸۱). به کوشش خلیل خطیب رهبر، «بوستان سعدی»، تهران: صفی‌علیشاه.
- همایی، جلال‌الدین (۱۳۵۹). «فنون بلاغت و صناعات ادبی»، تهران: نشر هما.
- یوسفی، غلامحسین (۱۳۷۲). «بوستان»، چ چهارم، تهران: انتشارات خوارزمی.
- (۱۳۶۹). «گلستان»، چ دوم، تهران: انتشارات خوارزمی.

### ب. مقاله‌ها:

- آقاحسینی، حسین و سیدان، الهام (۱۳۹۲). «بررسی جایگاه تشبیه و تمثیل در اندیشه تعلیمی سعدی»، پژوهش‌نامه ادبیات تعلیمی دهقان، شماره نوزدهم، صص ۱-۲۸.
- پاکدل، مسعود و ستوده، آزاده (۱۳۹۶). «نگاهی به تمثیل و نماد در شعر سیمین بهبهانی»، فصلنامه تحقیقات تمثیلی در زبان و ادب فارسی بوشهر، شماره سی و چهارم، صص ۶۴-۶۷.

- تاج بخش، پروین (۱۳۸۴). «حکایات تمثیلی در بوستان»، مجله رشد آموزش زبان و ادب فارسی، شماره هفتاد و چهار، صص ۸۷-۹۳
- حسینی کازرونی، سید احمد، رضائیان، بهزادپور، حمیدی، سید جعفر، دیره، عزت (۱۴۰۰). «بررسی فراتمازها و فراآسیب‌ها در شخصیت صائب تبریزی بر اساس ادبیات تمثیلی غزلیات شاعر با تکیه بر نظریه روانشناسان انسان گرا»، فصلنامه تحقیقات تمثیلی در زبان و ادب فارسی بوشهر، شماره چهل و نهم، صص ۲۴-۵۰.
- غلام، محمد (۱۳۸۳). «شگردهای داستان پردازی در بوستان»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز، شماره مسلسل ۱۸۹، صص ۱۷-۳۸
- فتوحی، محمود (۱۳۸۳). «تمثیل ماهیت، اقسام، کارکرد»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، شماره چهل و هفت، صص ۱۷۷-۱۴۱.

### references

- Elahi Qomshaei*, Hossein Mohiuddin (1388). "Three hundred and sixty-five days with Saadi", Tehran: Sokhn.
- Anzabinejad, Reza and Qarabaglou, Saidullah* (1378). "Bostan Saadi", Tehran: Jami Publications.
- Pournamdarian, Taghi* (1375). "Code and secret stories in Persian literature", 4th edition, Tehran: Scientific and Cultural Publications.
- Khazaeli, Mohammad* (1366). "Sharh Bostan", 6th edition, Tehran: Javidan Publications.
- Radfar, Abolqasem* (1368). "Rhetorical-Literary Culture", Tehran: Information Publications.
- Zarin Koob, Abdul Hossein* (1372). "Ba Karvan Haleh", Tehran: Scientific.
- Zarin Koob, Abdul Hossein* (2013). "Hadith Khosh Saadi", Tehran: Sokhn.
- Shafi'i Kodkani, Mohammad Reza* (1368). "Images of fantasy in Persian poetry", Tehran: Aghaz.
- Shamisa, Cyrus* (1373). "Expression and meanings", Tehran: Ferdous
- Foroughi, Mohammad Ali* (1376). "Keliat Saadi", 6th edition, Tehran: Qoqnos.
- Naseh, Mohammad Ali* (1381). By the efforts of Khalil Khatib Rahbar, "Bostan Saadi", Tehran: Safi Alisha.
- Homai, Jalaluddin* (1359). "Arts of Rhetoric and Literary Industries", Tehran: Homa Publishing House.
- Yousefi, Gholamhossein* (1372). "Bostan", 4th edition, Tehran: Kharazmi Publications.
- Yousefi, Gholamhossein* (1369). "Golestan", second edition, Tehran: Kharazmi Publications.
- Agha Hosseini, Hossein and Seidan, Elham* (2012). "Investigating the place of simile and allegory in Saadi's educational thought", Dahaghan Educational Literature Research Journal, No. 19, pp. 1-28
- Pakdel, Masoud and Sotoudeh, Azadeh* (2016). "Looking at allegory and symbol in Simin Behbahani's poetry", Bushehr Allegory Research Quarterly, Issue 34, pp. 64-46.
- Taj Bakhsh, Parvin* (1384). "Allegorical stories in the garden", Persian language and literature development magazine, number seventy-four, pp. 87-93
- Hosseini Kazroni, Seyed Ahmad, Rezaian, Behzadpour, Hamidi, Seyed Jafar, Deira, Ezzat* (1400). "Investigation of meta-needs and meta-traumas in Saeb Tabrizi's character based on the allegorical literature of the poet's sonnets, relying on the theory of humanist

psychologists", Bushehr Allegorical Research Quarterly in Persian Language and Literature, No. 49, pp. 24-50.

*Gholam, Mohammad* (1383). "Storytelling Techniques in Bostan", Tabriz School of Literature and Human Sciences Magazine, No. 189, pp. 17-38

*Fatuhi, Mahmoud* (1383). "Allegory of nature, types, functions", Journal of Faculty of Medicine and Human Sciences, number forty-seven, pp. 141-177.

